

بسم الله الرحمن الرحيم

چرا پیروزی ملت؟

تحلیلی بر مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند ماه ۱۴۰۲

چکیده:

۱- ممکن است این سؤال در ذهن مخاطب پدید آید که در حالیکه ما در سوابق مجلس با مشارکت بیش از ۷۰ درصدی نیز روبرو هستیم چگونه می توان این انتخابات با مشارکت بالای ۴۰ درصد را پیروزی نامید؟ برای پاسخ به این مطلب نکته ای که باید مد نظر داشت این است که هر چند نیروهای دغدغه مند و انقلابی بین مشارکت آرمانی و مشارکت شکل گرفته تفاوت قائلند اما شناخت زمینه و زمانه ای که این مشارکت حماسی در آن شکل گرفته است نشان می دهد که این مشارکت در شرایطی پدید آمد که دشمن و برخی نیروهای رادیکال داخلی تمام

تلاش فیزیکی و رسانه ای خود را برای برگزار نشدن انتخابات یا حداقل کم رنگ بودن آن به عرصه آوردند.

۲- از سویی است نظام در حفاصل دو انتخابات گذشته با ۱۱ اسفندماه بحران های سختی همچون اغتشاشات سنگین ۱۴۰۱ و چندبرابر شدن برخی قیمتها را پشت سر گذاشته ولی سرمایه های اجتماعی نظام حفظ شده است. در کنار بحران فیزیکی، دشمن تلاش نمود تا سنگین ترین جنگ شناختی و رسانه ای را علیه ملت ایران به کار گیرد تا نظام محاسباتی جامعه را مختل و به نفع راهبرد خویش تغییر دهد.

۳- بررسی روند منازعات انتخاباتی در تاریخ ۴۵ ساله نشان می دهد که خط منازعه از سطح تاکتیکی و نحوه اداره کشور به سطح راهبردی و ماهوی یعنی دوگانه مشارکت یا براندازی ارتقا یافته است. این اولین بار است که جریان رادیکال داخلی همراه با دو جریان نظام سلطه و براندازان و تجزیه طلبان به صورت آشکار خود را در جبهه مقابل تعریف نموده و تلاش نمود تا با تحریم انتخابات بر سردی انتخابات بیفزاید. این سطح از منازعه در حدی جدی شد که سید محمد خاتمی برای اولین بار تحت تاثیر جریان رادیکال در انتخابات شرکت نکرد.

۴- در کنار خط رادیکال داخلی، دشمن در گام اول کوشید با امنیتی سازی محیط داخلی موجب تعطیلی انتخابات شود. امنیتی سازی داخلی ایران تا ماه ها و روزهای منتهی به انتخابات هم ادامه یافت که نمونه آن

را می توان در انفجار در مراسم سالگرد امام و انفجار در خط لوله سراسری گاز کشور مشاهده نمود دشمن با فهم شکست خود و رویت عدم موفقیت، در گام دوم کاهش مشارکت و سرد شدن فضای انتخابات را در دستور خود قرار داد. تجزیه طلبان و براندازان بازوی راهبرد اول و جریان رسانه ای بازوی اجرایی راهبر دوم بودند.

۵- بازوی رسانه ای دشمن با محوریت رسانه های فارسی زبان برنامه های مختلفی را با کلیدواژه ها و عبارت های ادعایی نظیر "انتخابات مهندسی شده"، "عدم شرکت در انتخابات"، "رای نمی دهیم"، "مهسا امینی و حواشی و ناآرامی های سال گذشته" و کلیدواژه ها و عبارات مشابه، کوشش می کرد تا به زعم خود، فضای انتخابات را سرد کند. برای مثال کانال تلگرامی شبکه ایران اینترنشنال در روز چهارشنبه ۹ اسفندماه یعنی ۴۸ ساعت مانده به انتخابات و در طی ۲۴ ساعت ۴۴ خبر منفی به صورت متن، پادکست و ویدئو کلیپ علیه انتخابات و سیاه نمایی از آن منتشر نمود.

مقدمه

حضور حماسی مردم در انتخابات ۱۱ اسفندماه را می توان یک برگ زرین در افتخارات مردم سالاری دینی نظام اسلامی دانست. این حضور حماسی و باشکوه که برخلاف برخی نگاه های منفی و جنگ رسانه ای و شناختی دشمن شکل گرفت را باید یک پیروزی دانست. در این فرصت اندک تلاش می شود به این سؤال پاسخ داده شود که چرا باید در این شرایط حضور مردم را در انتخابات ۱۱ اسفندماه یک حماسه و پیروزی نمود.

چرا پیروزی ملت؟

اگر بخواهیم دلایل پیروزی نامیدن مشارکت مردم را برشماریم می توانیم عوامل ذیل را برشمریم:

۱- شناخت عرصه پیروزی:

ممکن است این سؤال در ذهن مخاطب پدید آید که در حالیکه ما در سوابق مجلس با مشارکت بیش از ۷۰ درصدی نیز روبرو هستیم چگونه می توان این انتخابات با مشارکت بالای ۴۰ درصد را پیروزی نامید؟ برای پاسخ به این مطلب نکته ای که باید مد نظر داشت این است که هر چند نیروهای دغدغه مند و انقلابی بین مشارکت آرمانی و مشارکت شکل گرفته تفاوت قائلند اما شناخت زمینه و زمانه ای که این مشارکت حماسی در آن شکل گرفته است نشان می دهد که این مشارکت در شرایطی پدید آمد که دشمن و برخی نیروهای رادیکال داخلی تمام تلاش فیزیکی و رسانه ای خود را برای برگزار نشدن انتخابات یا حداقل کم رنگ بودن آن به عرصه آوردند.

برای مثال در سال ۱۴۰۰ و در انتخابات ریاست جمهوری وقتی که با وجود کرونا، تلاش رسانه ای و شناختی دشمن، تحریم انتخابات توسط برخی نیروهای داخلی و ... مشارکت ۴۸ درصدی شکل گرفت رهبر معظم انقلاب در پیامشان از عباراتی مانند «حضور حماسی و شورانگیز»، «صفحه‌ی درخشان دیگری»، «پیروز بزرگ انتخابات» و ... استفاده نمودند و فرمودند که «حضور حماسی و شورانگیز در انتخابات ۲۸ خرداد، صفحه‌ی درخشان دیگری بر افتخارات شما افزود. در میانه‌ی عواملی که هر یک به گونه‌ای می‌توانست مشارکت در انتخابات را کم‌رنگ کند، مناظر چشم‌نواز اجتماعات شما در مراکز رأی‌گیری در سراسر کشور، نشانه‌ی آشکاری از عزم راسخ و دل‌امیدوار و دیده‌ی بیدار بود. پیروز بزرگ انتخابات دیروز، ملت ایران است که یک‌بار دیگر در برابر تبلیغات رسانه‌های مزدور دشمن و وسوسه‌ی خام‌اندیشان و بدخواهان، قد برافراشت و حضور خود در قلب میدان سیاسی کشور را نشان داد. نه گلایه از دشواری معیشت طبقات ضعیف، نه دلتنگی از تهدید بیماری فراگیر، نه مخالف‌خوانی‌هایی که با انگیزه‌ی دلسرد کردن مردم از ماه‌ها پیش آغاز شده بود، و نه حتی برخی اختلالات در جریان رأی‌گیری در ساعاتی از روز انتخاب، هیچ‌یک نتوانست بر عزم ملت ایران فائق آید و انتخابات مهم ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر و روستا را دچار مشکل سازد.»^۱

۲- شناخت دوگانه نزاع در انتخابات ۱۱ اسفند:

۱- پیام به مناسبت حضور حماسی مردم در انتخابات ۱۴۰۰، ۱۴۰۰/۰۳/۲۹.

در هر انتخاباتی یک دوگانه برای نزاع و شکل گیری مشارکت وجود دارد. بررسی تاریخی از حوادث پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد که طی ۴۵ سال گذشته در کشور پنج موج در منازعات سیاسی جریان های سیاسی درون انتخابات وجود داشته است:

منازعه اول: خط امام و اسلام فقهی و مخالفین آن: در سالهای ۵۷ تا ۶۰ منازعه اصلی، منازعه خط امام در مقابل ضد خط امام بود. این دو قطبی در دهه اول انقلاب و در عصر بازرگان و بنی صدر آغاز شد و بعد از ماجرای ۸ شهریور و ۷ تیر و استیضاح بنی صدر، غلبه سیاسی و اجتماعی به نفع خط امام تغییر یافت.

منازعه دوم: نزاع چپ و راست: از ۶۰ تا ۷۶ منازعه سیاسی کشور منازعه چپ و راست است که عمدتاً مناقشه بر سر موضوعات اقتصادی و بعضاً حوزه فقه اقتصادی مانند ساز و کار اجرای دولت، نحوه مالکیت، نحوه تنظیم بازار و ... است.

منازعه سوم: نزاع راست سنتی و تکنوکرات های راست: بعد از سال ۶۸ و در انتخابات های بعدی، ادامه مناقشات چپ و راست در اختیار راست قرار می گیرد و در جریان راست، مناقشات بین راست سنتی و راست تکنوکرات ایجاد می گردد.

منازعه چهارم: اصلاح طلبی و اصولگرایی: از سال ۷۶ به بعد حزب مشارکت - که امروز در چارچوب حزب اتحاد ملت فعالیت می کنند - و عناصر تندروی اصلاحات فضا را در دست گرفته و موج سوم مناقشه با عنوان اصلاح طلبی و اصول گرایی شکل می گیرد.

منازعه پنجم: نزاع بر دوگانه مشارکت_تحریم: در منازعه پنجم که از سال ۹۸ شروع شد و در این انتخابات هم دشمن و هم برخی نیروهای رادیکال داخلی به آن دامن می زدند ما با چند ویژگی اساسی مواجه هستیم:

۱- تقابل به جای امر تاکتیکی به امر ماهوی تبدیل شد. در چهار منازعه سابق بحث بر شکل و فرم مدیریت و حکمرانی بود؛ اما در انتخابات های ۱۱ اسفند و انتخابات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ دشمن و جریان رادیکال داخلی سعی کرد آن را به سوژه ای علیه نظام تبدیل نماید.

۲- در انتخابات حاضر یک بخش از نیروهای داخلی - که می توان آن ها را جریان رادیکال اصلاحات نامید - تلاش کردند که بخشی از پازل تحریم انتخابات برای آنچه خود نافرمانی مدنی و بسیج عمومی برای چانه زنی از پایین به بالا می نامیدند تکمیل کنند.

بر این اساس یکی از دلایل پیروزی شمردن حماسه مردم در ۱۱ اسفندماه را باید تلاش دشمن و جریان رادیکال داخلی برای شکل نگرفتن حماسه و مشارکت نامید. بر این اساس می توان گفت حضور مردم و شکست دوگانه مشارکت_تحریم به نفع نظام اسلامی بود.

۳- شناخت بازیگران عرصه نزاع مشارکت_تحریم:

براساس آنچه گفته شد اگر دوگانه مشارکت_تحریم را مبنا قرار دهیم به دو عرصه متفاوت و مهم از بازیگران با دو سطح از بازیگری مواجه می شویم:

۳-۱- بازیگران جبهه تحریم انتخابات:

بررسی تحولات یک سال منتهی به انتخابات ۱۱ اسفندماه نشان می دهد دو بازیگر خارج نشین و یک بازیگر داخلی تمام تلاش و توان خود را برای عدم شکل گیری مشارکت مصروف نمود. لذا مشارکت با وجود تلاش و کارشکنی این ۳ طیف شکل گرفت. این ۳ بازیگر سیاسی عرصه تحریم عبارتند از:

۳-۱-۱- بازیگر کلان یا دشمن خارجی: دشمن پس از اغتشاشات سال ۱۴۰۱

تلاش کرده است فضای ایران را ملتهب نگه دارد. تلاش برای ملتهب نگه داشتن شرق کشور پس از عملیات موفقیت آمیز نیروی زمینی در غرب و اقلیم کردستان علیه تجزیه طلبان از تاکتیک های دشمن بود. عملیات های تروریستی صورت پذیرفته در شرق کشور خصوصا در استان سیستان و بلوچستان ناظر به همین تاکتیک دشمن است. هر چند هنوز آمار منتشر شده ای از میزان ورود نیروهای عملیاتی و تروریستی و کشف مهمات و اسلحه در طی فرآیند انتخابات وجود ندارد ولی رجوع به خبرهای رسمی منتشر شده حاکیست میزان کشفیات در این مدت بسیار بالا بوده است. نمونه ای از خبرهای منتشره پیرامون کشفیات اسلحه و مهمات و دستگیری یا هلاکت تروریست ها در یک ماه منتهی به انتخابات در موارد ذیل می باشد:

۱۴ بهمن: فرماندار سرپل ذهاب از انهدام یک تیم ورود سلاح به کشور توسط

سربازان گمنام امام زمان (عج) و با همکاری ماموران هنگ مرزی در حین ورود به

کشور خبر داد.

۱۷ بهمن: فرمانده مرزبانی کشور گفت: با تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج) و هماهنگی کشور عراق باندی که قصد ورود سلاح های جنگی به استان ایلام را داشتند، متلاشی شد.

۱۷ بهمن: سردار سعید منتظرالمهدی سخنگوی فراجا اعلام کرد که با اقدامات انجام شده از سوی ماموران پلیس دو تروریست در استان سیستان و بلوچستان شناسایی و دستگیر شده‌اند. یکی از این تروریست‌ها از اعضای گروهک تروریستی داعش و نفر دیگر نیز عضو گروهک تروریستی انصارالفرقان بود. اعضای این تیم، قصد انجام اقدامات تروریستی را داشته که با اشراف و تعامل جوامع اطلاعاتی، شناسایی و قبل از هرگونه اقدام خرابکارانه‌ای، توسط ماموران انتظامی و در طی عملیات فنی و پیچیده، دستگیر شدند.

۲۲ بهمن: سید مجید میراحمدی معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در گفت‌وگو با خبرنگار فارس از به هلاکت یک عنصر داعشی در مرز خوزستان خبر داد. سردار سیدسعید منتظرالمهدی در این باره اظهار داشت که اعضای این تیم که یک مرد و یک زن هستند، قبل انجام هرگونه اقدام، در یک عملیات غافلگیرانه، توسط تیم تخصصی نوپو یگان های ویژه پاسداران فراجا دستگیر شدند و از آنان، مقادیری مواد منفجره، کشف و ضبط شد.

۲۷ بهمن: سخنگوی پلیس گفت دو نفر دیگر از تروریست های دخیل در حمله تروریستی به مقر انتظامی راسک، دستگیر شدند.

۶ اسفند : سخنگوی پلیس از دستگیری دو نفر از اعضای گروه تروریستی ضد شیعه سپاه صحابه به نام های اکرم لاهوری و ملا ابرار در استان هرمزگان خبر داد. بر اساس این خبر، این دو تروویست از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به اتهام بمب گذاری در یکی از شهرهای پاکستان در آن کشور زندانی بودند. اینگونه اخبار نشان می دهد که برنامه ریزی دشمن در دو سطح و لایه انجام پذیرفته است:

۱- لایه اول از راهبرد دشمن خصوصا تا قبل از شهریورماه و سالگرد فوت مهسا امینی بر امنیتی سازی محیط داخلی بنا گذاشته شده بود و با همت نیروهای امنیتی این لایه از راهبرد که تا ایام انتخابات نیز ساری و جاری بود ناموفق ماند.

۲- لایه دوم که به موازات راهبرد اول اجرا می شد کاستن از مشارکت مردم در انتخابات بود که در ساز و کار رسانه ای و شناختی پیگیری می شد که در آینده به آن اشاره خواهد گردید.

بر این اساس یکی از دلایل نامگذاری پیروزی بر حماسه مردم در انتخابات یازده اسفند را باید همین شکست دشمن دانست. پیروزی یازدهم اسفندماه ۱۴۰۲ در شکست راهبردها و تاکتیک های دشمن تعریف می شود.

۳-۱-۲- **ارتجاعیون:** در ادبیات مصطلح و کلاسیک عباراتی مانند مرتجع، بنیادگرا، واپس گرا و ... به افراد یا گروه های دارای نگاه های افراطی یا قدیمی نسبت به سنت و تکنولوژی به کار برده می شود. اما برخلاف نامگذاری مصطلح باید گفت که رویکرد این گروه بر تغییر بنا شده است؛ اما تغییری که این گروه در نظر

دارد بازگشت به عصر پهلوی و پیشانقلاب است. رهبر معظم انقلاب در تعریف مرتجع اینگونه می‌فرمایند که «مرتجع آن کسی است که در سیاست و سبک زندگی، تابع سیاست و سبک زندگی غربی است؛ این مرتجع است. این [وضع] در کشور ما بود؛ در دوران حاکمیت فاسد و وابسته پهلوی، سبک زندگی غربی در کشور بود، انقلاب آمد آن را پس زد؛ هر کس به آن برگردد مرتجع است. ممکن است این شخصی که مرتجع است تی‌شرت و شلوار لی و پایپون و اودکلن فرانسوی هم بزند، اما مرتجع است.»^۲ در یک دسته بنی می‌توان این طیف را شامل موارد ذیل معرفی نمود:

۳-۱-۲-۱- جریان ارتجاعی تجزیه طلب: این جریان بخش اعظمی از بازیگری خود را بر تاکتیک و لایه اول راهبرد دشمن یعنی امنیتی سازی داخلی ایران و عدم برگزاری انتخابات بنا گذاشته بود. روند تحولات امنیتی و خبرهای منتشره که بخشی از آن در مطالب قبل ارائه شد نشان می‌دهد که این جریان تا ایام منتهی به انتخابات نیز تلاش داشته‌اند که روند امنیتی سازی انتخابات را برای عدم برگزاری انتخابات یا کم‌رنگ شدن آن به کار بسته‌اند. برای مثال در بامداد چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ به صورت همزمان در دو استان (شهرستان بروجن استان چهارمحال و بختیاری و صفاشهر استان فارس) دو نقطه خط لوله اصلی گاز ایران دچار انفجار و آتش سوزی شد. این حوادث باعث قطع گاز در این دو خط لوله و اختلال در گازرسانی در مناطقی از کشور گردید. هر چند خسارات این حادثه به

^۲ -بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم ارتحال امام، ۱۴/۰۳/۱۴۰۱.

سرعت رفع گردید اما رد صورت تداوم با توجه به سردی هوا می توانست مسبب نارضایتی اجتماعی در بخش اعظمی از کشور گردد. جواد اوجی وزیر نفت روز چهارشنبه ۲ اسفندماه در حاشیه جلسه هیات دولت و در جمع خبرنگاران گفت که انفجار خطوط لوله گاز کشور توطئه اسرائیلی بود. در این حادثه یک کار بی نظیر انجام شد و آن اینکه، توطئه دشمن خنثی شد.^۳

۳-۱-۲-۲-۲ جریان ارتجاعی سلطنت طلب: یکی از بازیگران عرصه ارتجاع سیاسی و بازگشت به گذشته جریان سلطنت طلب است. از حیث ساختاری این گروه تلاش دارد تا رضا پهلوی را به عنوان آلترناتیو و جایگزینی برای نظام معرفی نماید. مثال گروه فرشگرد که تشکیلات سازمان یافته این گروه محسوب می گردند و شامل یک گروه ۳۰ نفری معاندین و ضد انقلاب است در اغتشاشات سال گذشته با عناصر اصلی خود مانند سعید قاسمی نژاد و امیرحسین اعتمادی نقش مهمی در راهبری اقدامات ضد امنیتی علیه نظام داشتند. در ۴ چند سال گذشته فرشگردها یکی از کارهایی که پیگیر آن بوده‌اند باز کردن پای افرادی مانند مریم معمار صادقی مدیر بنیاد توانا، یوحنا نجدی، ورزشکاران و هنرمندان در گروه های ضد انقلاب بود. فرکیانی، رنسانس ایرانی، حزب مشروطه و ... از جمله گروه های زیر مجموعه فرشگرد ها هستند. تلویزیون من و تو که در روزهای اخیر تعطیل شد نوک پیکان فعالیت رسانه ای این جریان برای تطهیر پهلوی و تاریخ پیشا انقلابی بود. به عبارتی دیگر ماموریت شبکه منو تو این بود که یک تصویر ایده آل از وضعیت ماقبل

³ - <https://www.asriran.com/fa/news/۹۴۵۳۹۲>

جمهوری اسلامی بازسازی کند و آن را در مقابل برخی اشکالات و نقاط منفی نظام قرار دهد. از حیث فعالیت مجازی نیز باید گفت که این گروه در حوزه «مدیا» و فیلم کار بسیار قوی را انجام داده است و فیلم هایی که با موضوع فقر و بدبختی، زندگی های لاکچری و تبعیضی، آقازاده ها و فساد مسئولین، فیلم های آموزشی اغتشاشات و استفاده از سلاح گرم و سرد در فضای مجازی بارگذاری می شود توسط این گروه تولید می گردد. این گروه در اقداماتش از هر نوع رفتاری از توهین به اهل بیت علیهم السلام تا توهین به علما و یا اقدام مسلحانه ابا ندارد. در انتخابات حاضر نیز این جریان بنا را بر نفی کامل مشارکت و تحریم انتخابات گذاشته بود و تلاش داشت تا با تاکتیک های رسانه ای ذکر شده مانع از شکل گیری مشارکت گردد.

۳-۱-۲-۳ جریان ارتجاعی حوزه شناختی و رسانه ای: در این حوزه

تشکلات بسیاری وجود دارند که بر حوزه شناختی و رسانه ای و تغییر رفتار و افکار جامعه سرمایه گذاری نموده اند. این جریان با وجود اینکه نقش مکمل جریان امنیتی ساز تجزیه طلب را تکمیل می کند اما نقش اصلی آن در کم رنگ کردن انتخابات و عدم مشارکت بود. برای مثال شبکه و تارنمای فارسی زبان صدای آمریکا (VOA) هم در اخبار و گزارش های خود پیرامون انتخابات پیش رو در ایران، با ترفند استفاده از کلیدواژه ها و عباراتی ادعایی نظیر "تحریم انتخابات"، "آزاد نبودن انتخابات در ایران"، "سوء استفاده از اتباع خارجی برای جمع کردن آرا"، "عدم تمایل اکثریت برای شرکت در انتخابات"، "استقبال اندک"، "صندوق های جعلی" و نظیر این عبارات در تکاپو بود تا تصویری مخدوش از فضای انتخاباتی ایران

ارائه دهد. بخش فارسی بی بی سی و رادیو فردا هم با گزارش ها و مطالبی با محوریت تلاش برای کمرنگ نشان دادن شور انتخاباتی ایران و انتشار اخبار و مصاحبه هایی به نقل از برخی چهره های برانداز و تجزیه طلب، در آستانه انتخابات ایران ماموریتی همسو با ایران اینترنشنال و صدای آمریکا را در پیش گرفتند.

در بین شبکه های معاند فارسی زبان، شاید بیشترین حجم تقلا برای اثرگذاری بر فضای انتخابات ایران را شبکه ایران اینترنشنال از طریق شبکه تلویزیونی، وبسایت، صفحه اینستاگرام، صفحه ایکس (توییتر) و نیز از طریق کانال تلگرامی خود انجام می دهد. این رسانه فارسی زبان که با وجود هشدارهای مکرر جمهوری اسلامی ایران به کشورهای حامی مالی آن، همچنان با محوریت ایران ستیزی و ایران هراسی فعالیت می کند، از مدتها قبل مطالب و برنامه ای مختلفی را با کلیدواژه ها و عبارت های ادعایی نظیر "انتخابات مهندسی شده"، "عدم شرکت در انتخابات"، "رای نمی دهیم"، "مهسا امینی و حواشی و ناآرامی های سال گذشته" و کلیدواژه ها و عبارات مشابه، کوشش می کرد تا به زعم خود، فضای انتخابات را سرد کند. برای مثال کانال تلگرامی شبکه ایران اینترنشنال در روز چهارشنبه ۹ اسفندماه و در طی ۲۴ ساعت ۴۴ خبر منفی به صورت متن، پادکست و ویدئو کلیپ علیه انتخابات و سیاه نمایی از آن منتشر نمود. بغیر از محتواهای مستقیم پیرامون انتخابات، محتواهای دیگر منتشر شده نیز _ مانند ارتباط ایران با القاعده _ در راستای سیاه نمایی از وضعیت موجود بود که مشارکت را هدف گرفته بود.

۳-۱-۳- جریان رادیکال داخلی: اگر بخواهیم تعریفی از این جریان ارائه دهیم باید بگوییم که مسئله این جریان فراتر از موضوع انتخابات و معتقد به تغییر

سیستم می باشند. نیروهای اصلی این طیف معتقدند که سیستم قابل اصلاح نیست و باید به صورت بنیادین تغییر پیدا کند و به سمت ساختاربندی که در آن ولایت فقیه و دیانت بلا موضوع است بروند و یک سیستم دموکراتیک و سکولار که تجربه آن در ایران وجود نداشته است ایجاد شود. رادیکال ها دو طیف هستند که در دو ساحت «مبتنی بر غایت» و یا «مبتنی بر روش» اختلاف نظر دارند. رادیکال در ساحت روش، استفاده از روش های ضد ساختاری را دنبال می کنند و می گویند انتخابات و پارلمان چه به دلایل اولیه و یا ثانویه نمی تواند آنها را به مقصود برساند لذا دنبال استفاده از جنبش ها هستند تا از طریق جنبش های مختلف سیستم را وادار به تغییر کنند. ساده ترین تعریف از نظریه و رفتار در این جریان را می توان در متن منتشره سعید حجاریان در سایت مشق نو در مقابل انتخابات محوری جست که می نویسد «تاکتیک اصلی اصلاحات، سازماندهی نیروها از پایین است. این روش در گسترش احزاب، سازمان آهین، بسیج توده‌ای و انواع سازمان‌های مردم‌نهاد متجلی می‌شود و حتی بعضی مواقع می‌توان به نافرمانی مدنی فکر کرد. اساساً معتقدم فشار از پایین با انتخابات پدید نمی‌آید. پس باید گفت، پروژه اصلاحات به انتخابات گره نخورده است. زیرا انتخابات به معنای کنونی آن، مصداق گدایی قدرت است. ... نافرمانی مدنی در خلاء شکل نمی‌گیرد. پیش از آن، ابتدا باید تجمع سلولی داشت و اقداماتی مانند کتاب‌خوانی، جزوه‌خوانی و... صورت داد و سپس تجمع‌های موضوعی و بعد هم تجمع‌های سراسری انجام شود. بعد از این‌هاست که نوبت نافرمانی فرامی‌رسد.»^۴

^۴ - mashghenow.com/?p=784

طیف دیگر این جریان، رادیکال‌های مبتنی برغایت مانند امثال کیان تاجبخش هستند که معتقدند که برای تغییر سیستم می‌شود از انتخابات و امکانات ساختار بهره برداری کرد. ارتجاعیون و رادیکال‌ها در براندازی اشتراک نظر دارند. در انتخابات حاضر بدنه این جریان در داخل و خارج تمام تلاش خودش را صرف نمود تا مانع از شکل‌گیری پروسه انتخابات در گام اول و شکل‌گیری مشارکت در گام دوم شود که عدم موفقیت این طیف را می‌توان یکی از دلایل نامیدن پیروزی و حماسه برای حضور مردم دانست. بررسی سه طیف پیگیر تحریم نشان می‌دهد شبکه‌ای پیچیده از عوامل داخلی گرفته تا دشمن در سطح کلان پیگیر تحریم انتخابات یا به زبان دیگر تعطیلی انتخابات بوده‌اند که حضور حماسی مردم نشان می‌دهد این طرح بواسطه حضور مردم در پای صندوق شکست خورده است.

۲-۳- بازیگران عرصه مشارکت: همانگونه که گفته شد یکی از موارد مرسوم در انتخابات‌های پیش از سال ۹۸، جریان شناسی سیاسی منبعث از تاکتیک‌های اداره جامعه با رویکرد چپ یا راست، اصلاح طلب یا اصولگرا و ... بود. از سال ۹۸ جریان شناسی وارد عرصه دیگری مبتنی بر رویکرد دوگانه مشارکت-تحریم شد. بیشترین سطح نزاع در مشارکت یا تحریم در طیف اصلاحات وجود داشت که برخی از نیروهای رادیکال اصلاحات تلاش داشتند این طیف را وارد عرصه تحریم کنند. برای مثال در سطح بازیگران رسمی، آذر منصوری به عنوان دبیر کل حزب اتحاد ملت و رئیس جبهه اصلاحات در کنفرانس خبری خود در ۲۴ بهمن با وجود تاکید بر عدم ورود به دوگانه مشارکت-تحریم می‌گوید «حفظ مسیر اصلاح‌طلبانه، قانونی، مدنی، مسالمت‌جویانه و پرهیز از خشونت و دفاع از حقوق همه شهروندان با

همه سلايق و دیدگاه‌ها و دفاع از حقوق بشر تک تک شهروندان ایران را دنبال می‌کنیم و این شاخص‌ها نقطه تمایز ما با سایر جریان‌هاست. ما بنا نداشتیم مستقیم وارد مساله انتخابات شویم چون در آسیب‌شناسی خود به این نتیجه رسیدیم که گفتمان اصلاحات متناسب با شرایط جامعه به روزرسانی شود؛ بنابراین دنبال نوسازی گفتمان اصلاحات با تکیه بر بیانیه ۱۵ ماده‌ای سال گذشته آقای خاتمی هستیم. با قانون جدید انتخابات، جبهه اصلاحات در موقعیتی قرار گرفت که توصیه‌ای برای انتخابات ندارد. این به معنی قهر با صندوق و فاصله‌گیری از انتخابات نیست و اصلاحات باید تلاش کند که به انتخابات و صندوق رای معنا ببخشد.^۵ در سطح بازیگران غیررسمی اما در عین حال موثر نیز مصطفی تاج زاده به صراحت انتخابات را تحریم نموده و تاکید داشت که «در نقطه مقابل، اکثر ایرانیان نیز تصمیم گرفته‌اند بی‌اعتنا به رهبر و صداوسیما و در اعتراض به وضعیت اسفبار کشور، رأی ندهند.»^۶ در سوی مقابل، برخی جریان‌های سیاسی اصلاح طلب مانند کارگزاران، اعتدال و توسعه، مردم سالاری، ندای ملت و ... از فاز تحریم انتخابات تبری جسته و رویکرد مشارکت را برگزیدند و با نگارش بیانیه روزنه‌گشایی، کنش سیاسی فعالانه خود در انتخابات را معین کردند. بر این اساس باید شکل‌گیری مشارکت را تلاشی دسته‌جمعی از همه طیف‌های سیاسی چپ و راست، اصلاح طلب و اصولگرا و ...

^۵ - <https://www.khabaronline.ir/news/۱۸۷۲۴۷۰>

^۶ - www.radiofarda.com/amp/mostafa-tajzadeh-politician-imprisoned-iran-letter-prison-election/۳۲۸۲۴۷۸۱

برای گذار از ترفندها و تاکتیک های سه بازیگر خواستار تحریم دانست. اتفاقی که در این زمینه قابل تحلیل و تامل است و می تواند مورد تحلیل گران این عرصه قرار گیرد موارد ذیل می باشد:

- ۳-۲-۱- تاکید بر بازخوانی ناکامی تلاش جریان رادیکال برای تحریم انتخابات؛
- ۳-۲-۲- تقویت جریان های مشارکت جو و ناکارآمدی جریان تحریمی در حوزه کنشگری سیاسی؛
- ۳-۲-۳- معرفی رویکرد درون نظام و مشارکت جو به عنوان تنها اصل پیش روی جریان های سیاسی کشور.

تدابیر و راهبرد حکیمانه رهبری در ابلاغ راهبردهای چهارگانه

نکته ای که باید در نظر داشت این است که رهبر حکیم انقلاب با شناخت زمینه و زمانه موجود، آگاهی از سطح تقابل و دوگانه مشارکت_تحریم، بازیگران موجود و تاکتیک های آن ها و ... از فروردین ماه نسبت به ابلاغ راهبرد چهارگانه نظام جهت تحقق مشارکت حداکثری اعلام موضع نمودند. این موضوع از آن جهت اهمیت می یابد که معمولاً رویه رهبر معظم انقلاب در سال های گذشته پرهیز از سیاسی و انتخاباتی نمودن جامعه بود چرا که ورود به حاشیه های سیاسی و انتخاباتی ممکن است موجب به حاشیه رفتن مسئولین اجرایی و جامعه گردد. برای مثال ایشان در نفی ورود زودهنگام به انتخابات می فرمایند: « اما مسأله ی انتخابات. البته تا انتخابات هنوز وقت هست - مثلاً فرض کنید چهل پنجاه روزی هنوز وقت داریم - ما هم مجال داریم تا مطالبی که داریم به مردم عرض کنیم. بنده مخالفم با این که دو سال قبل از انتخابات یا یک سال قبل از انتخابات، فضای کشور را ما انتخاباتی بکنیم؛ بنده

مخالفم، اما خیلی ها این کار را کردند؛ این غلط است. وقتی فضا انتخاباتی شد، لازمه ی فضای انتخاباتی رقابت و درگیری - ولو درگیری زبانی - و تبادل انواع و اقسام حرفهای احیاناً نامناسب و زشت به یکدیگر است. فضای انتخاباتی، انسان را از حقایق جاری جامعه و از نیازهای حقیقی جامعه غافل می کند. این کار، کار خوبی نیست، بنده مناسب نمی دانستم که از قبل راجع به انتخابات صحبتی بکنم؛ لکن حالا دیگر تقریباً فصل انتخابات است و بایستی مطالبی را گفت.»^۷ این بیانات و پرهیز از ورود زود هنگام به انتخابات در حالی است که ایشان در سال ۱۴۰۲ و در روزهای آغازین سال فرمودند که «مسئله ی دیگر - شاید مسئله ی آخر یا قبل از آخر - انتخابات آخر سال است. این انتخابات خیلی مهم است. انتخابات می تواند مظهر قوت ملی باشد. اگر انتخابات درست برگزار نشود، ضعف کشور و ضعف ملت را نشان می دهد؛ ضعف دولت را، ضعف مسئولین را، ضعف آحاد مردم را و ضعف کشور را نشان می دهد. هر چه ما ضعیف بشویم، تهاجم و فشار دشمنان ما بیشتر خواهد شد. اگر می خواهید جلوی فشار دشمن گرفته بشود، باید قوی بشویم. یکی از ابزارهای مهم قوت کشور همین انتخابات است. مسئولانی که مرتبط هستند از همین حالا - البته می دانم که دنبال کرده اند - راهبرد مشارکت را، راهبرد امنیت انتخابات را، راهبرد سلامت انتخابات را، راهبرد رقابت انتخابات را مشخص کنند؛ انتخابات خوب سالم با مشارکت بالایی ان شاء الله در آخر سال داشته باشیم.»^۸ ورود

^۷- بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴/۱۰/۱۳۹۴.

^۸- بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۰۱/۱۴۰۲.

زودهنگام رهبر معظم انقلاب به موضوع انتخابات اهمیت موضوع را بیش از پیش نمایان می سازد.

۴- رویکرد تطبیقی در پیروزی ملت:

یکی از معیارهای تبیین پیروزی حضور حماسی مردم، مقایسه تطبیقی براساس دو رویکرد تطبیق با انتخابات های سایر کشورها و ۱۱ دوره انتخابات های پیشین مجلس در درون کشور است. این دو رویکرد را می توان اینگونه تحلیل نمود:

۴-۱- نگاهی به مشارکت در دیگر کشورها

هر چند رسانه های همراه با نظام استکبار تلاش دارند انتخابات ایران را کم رنگ جلوه دهند اما بررسی شرایط انتخابات پارلمان در دیگر کشورها نشان می دهد که حتی کشورهای حامی این رسانه ها با چالش اساسی در این حوزه مواجه هستند. برای مثال بررسی های نشان می دهد که نرخ مشارکت در انتخابات میان دوره ای کنگره در آمریکا هیچ گاه از ۵۰ درصد عبور نکرده و به مراتب کمتر از انتخابات ریاست جمهوری بوده است میزان مشارکت در این انتخابات در سال ۲۰۰۶، حدود ۴۰٫۱ درصد بود، در سال ۲۰۱۰، ۴۱ درصد، در سال ۲۰۱۴، ۳۶٫۷ درصد و در سال ۲۰۱۸ به ۴۹٫۶ درصد رسید و نتوانست از ۵۰ درصد عبور کند. انتخابات مجلس قانونگذاری فرانسه در سال ۲۰۲۲ برای انتخاب ۵۷۷ نماینده این مجلس که به دور دوم کشیده شد به ترتیب با مشارکت ۴۷٫۵ و ۴۶٫۲ درصدی مردم این کشور همراه بود این در حالیست که میزان مشارکت مردم در مرحله اول این دور از انتخابات نسبت به دور قبلی ۱٫۲ درصد کمتر شده است. انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۵ در پرتغال با مشارکت ۹۱٫۷۳ درصدی مردم همراه بود اما این رقم در انتخابات سال

۲۰۱۹ به زیر ۵۰ درصد و رقم ۴۸,۵۷ درصد افتاد در انتخابات ریاست جمهوری این کشور نیز وضعیتی مشابه تکرار شد و ۴۸,۷۰ درصد مردم پای صندوق رای رفتند. در بسیاری از کشورهای اروپایی همچون جمهوری چک، دانمارک، سوئد و سوئیس مشارکت ها پایین بوده به طوری که در سوئیس از سال ۱۹۴۷ به بعد آمار مشارکت نزولی بوده و در سال ۲۰۱۹ به ۴۵,۱۲ درصد کاهش یافته است. مردم سوئیس رئیس جمهور را انتخاب نمی کنند، بلکه پارلمان این کشور رئیس جمهور را از جمع هفت نفره ای تحت عنوان «هیأت مجریه» انتخاب می کند. رئیس جمهور در رأس قوه مجریه قرار دارد، اما در رأس کشور نیست، چون که سوئیس توسط یک «هیأت» اداره می شود نه یک شخص^۹.

۴-۲- نگاهی به مشارکت در ادوار سابق مجلس

ادوار سابق مجلس مشارکتی بین ۷۸ درصد در دور ششم و ۴۲ درصد در دور یازدهم را تجربه کرده است. پیروزی حماسی مردم در مشارکت مشابه دوره قبل از دو جهت قابل تامل و تحلیل است و آن را می توان مصداق یک پیروزی بزرگ نامید:

۱- نکته اول اینکه معمولاً در انتخابات ها ما شاهد رویکرد مشارکت سینوسی بوده ایم. همانگونه که در نمودار هم قابل مشاهده است از دوره نهم در سال ۱۳۹۰ مشارکت مردمی رو به تقلیل گذاشته است؛ مشارکت دوره

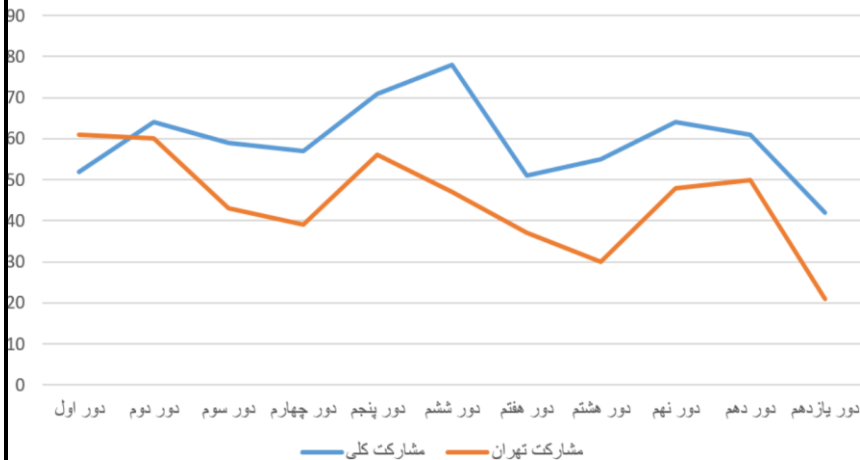
^۹ - <https://www.irna.ir/news/> ۸۵۳۷۵۶۷۵

دوازدهم در ۱۱ اسفندماه می تواند برگشتی از روند کاهش به ترمیم مشارکت باشد.

۲- نکته دوم که پیش از این هم به آن اشاره شد بستر شکل گیری این مشارکت در فضای جنگ شناختی و رسانه ای دشمن است که محل تحلیل و تامل بسیار دارد.

مشارکت تهران	میزان مشارکت	دوره مجلس	سال انتخابات
۶۱	۵۲	اول	۱۳۵۸
۶۰	۶۴	دوم	۱۳۶۳
۴۳	۵۹	سوم	۱۳۶۷
۳۹	۵۷	چهارم	۱۳۷۱
۵۶	۷۱	پنجم	۱۳۷۴
۴۷	۷۸	ششم	۱۳۷۸
۳۷	۵۱	هفتم	۱۳۸۲
۳۰	۵۵	هشتم	۱۳۸۶
۴۸	۶۴	نهم	۱۳۹۰
۵۰	۶۱	دهم	۱۳۹۴
۲۱	۴۲	یازدهم	۱۳۹۸

نمودار مشارکت در ۱۲ دور مجلس شورای اسلامی



نتیجه گیری:

آنچه در ۱۱ اسفندماه و مشارکت ملت ایران پدید آمد را باید در دو محیط داخلی و با وجود مشکلات اقتصادی، گلابیه مندی و ... و در عرصه خارجی با وجود جنگ شناختی و رسانه ای، تحریم های اقتصادی و ... دشمن دید و تحلیل نمود. با این رویکرد می توان حضور مردم را با وجود همه محدودیت ها و معذوریت ها یک حماسه بزرگ نامید. بی شک حماسه ۱۱ اسفندماه موجب یک رسالت عظیم بر دوش مسئولین خواهد گردید. مسئولین در شرایط فعلی اولاً باید این حضور را پاس بدارند و در ثانی نسبت به رفع مشکلاتی که موجب اشکال و مزاحمت در مشارکت شده است اقدام نمایند.